

## وحدت و انسجام در قرآن کریم و سیره نبوی

زه خلفی

### آغاز سخن

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۱</sup>

در عصر حاضر که مستبدان و ابرقدرت‌های جهان تلاش می‌کنند جهان اسلام و مسلمانان را زیر یوغ استعمار و استبداد نابود کنند، امپریالیسم شرق و غرب می‌کوشد سلطه‌ی خود را با نمایش تسلیحاتی بر مسلمانان جهان عرضه کند و با صدور سرمایه به کشورهای زیر سلطه و کشمکش بر سر تسلط بر آن‌ها قدرت‌های مالی و انحصاری خود را نشان دهند، ملت‌های مسلمان باید یکی شوند و دست به دست هم دهند تا اجازه ندهند وحدتشان از هم پاشد و باید در برابر دشمنان با ایمان راسخ و توکل بر خدا مقاومت کنند.

پشه چو پر شد، بزند پیل را با همه تندی و صلابت که اوست

مورچگان را چو بود اتفاق شیر ژیان را بدرانند پوست<sup>۲</sup>

### توحید الاهی مایه‌ی توحید مسلمانان

مسلمانان همگی زیر پرچم توحید هستند و با اتحاد می‌توانند این پرچم را در برابر کفر برافراشته کنند و بر فراز بام اتحاد مسلمانان به اهتزاز درآورند. قرآن با عبارت «إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ»<sup>۳</sup> به مردم نشان می‌دهد که وحدت کلمه خیر و رستگاری آنان را تأمین می‌کند. همچنین، «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»<sup>۴</sup> و «رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»<sup>۵</sup> نشانگر آن است که وحدت نشانه‌ی حق و اختلاف زبان شیطان است، مسلمانان از سربازان خدا هستند و هرگز با تفرقه میان افراد، خود را جزو لشکر ابلیس قرار نمی‌دهند. اتحاد مسلمانان جهان تعالی و پیشرفت آنان را مهیا می‌کند و آنان را به سوی رستگاری و پیروزی می‌کشاند.

<sup>۱</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

<sup>۲</sup> گلستان، ص ۳۰۰.

<sup>۳</sup> سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۷۱

<sup>۴</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۴

<sup>۵</sup> سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱

## تلاش‌های پیامبر برای اتحاد مسلمانان

حُسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت<sup>۶</sup>

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در راه وحدت اسلامی کوشش زیادی کرد. ایشان اتفاق و همدلی را خیر می‌دانستند و تفرقه را عذاب و مایه‌ی رنج مردم؛ از همین رو<sup>۷</sup> بین مسلمانان عقد برادری بستند. از نخستین گام‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از ورود به مدینه پی‌ریزی زندگی اجتماعی اسلامی بود. ایشان پس از ساختن مسجد که مرکز تعلیم و تربیت و اجتماع اسلامی بود، بین دو قبیله‌ی «اوس» و «خزرج» صلح برقرار کردند؛ زیرا آن‌ها سال‌ها در حال جنگ و خون‌ریزی بودند. همچنین بین «مهاجران» و «انصار» - مردمی که مهاجران را در خانه‌های خود پذیرفته بودند - پیمان برادری برقرار کردند.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) توحید اسلامی و پیوند برادری را جایگزین رابطه‌های قبیله‌ای کرد و از مردمی کینه‌توز و بی‌خبر از نظام اجتماعی و قانون، جامعه‌ای متحد به‌وجود آورد.<sup>۸</sup> آئین محمدی نه تنها وحدت خالق را میان مشرک و بت‌پرست ایجاد کرد، بلکه وحدت امت و مخلوق را نیز به‌وجود آورد. به‌علت مقاومت‌ها و دشمنی‌های قریش، سیزده سال طول کشید تا محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این نظام جدید را پی‌ریزی کند. این نظم جدید همه‌ی مؤمنان جامعه را واحد کرد؛ باینکه از قبیله‌های مختلف بودند و مواضع‌های متفاوتی داشتند.

## اسلام محور اتحاد و برادری

مذهب اسلام در واقع نیروی پیونددهنده‌ی سالمی بود که نخست قبیله‌ها و سپس ملل خارجی را به هم متصل کرد تا حکم نیرویی واحد و جامعه‌ای یگانه را پیدا کردند. جامعه‌ای که هیچ نیرویی نمی‌توانست آن‌ها را از یکدیگر جدا کند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیوسته به انصار دستور می‌داد به برادران مهاجر خود کمک کنند زیرا آن‌ها همه چیز خود را در مکه گذاشته بودند. گفته شده است که عبدالرحمن بن عوف بدون دیناری به مدینه رسیده بود و انصاری که در عقد «پیمان برادری» برادرخوانده‌ی او شده بود همه‌ی دارایی خود را در اختیار وی گذاشت.

محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در هفته‌های اول ورود به مدینه همه‌ی سعی خود را کرد تا نه تنها زمزمه‌ی رقابت و اختلاف میان مهاجران و انصار را برطرف کند، بلکه آن‌ها را بیش‌ازپیش به یکدیگر نزدیک کند و اساس این بنیان را محکم کند. او می‌دانست که نیروی بزرگ از پیوستگی نیروهای کوچک به‌دست می‌آید. روزی از طرف پیامبر

<sup>۶</sup> دیوان غزلیات حافظ، ص ۱۲۰.

<sup>۷</sup> نهج‌الفصاحه، بخشی از شماره‌ی ۱۲۰۲.

<sup>۸</sup> چهارده اختر تابناک، ص ۳۷.

(صلی الله علیه و آله) به همه‌ی مؤمنان اطلاع داده شد که برای نماز مغرب در صحن مسجد حضور یابند. مسلمانان همیشه شوق دیدار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را داشتند و همه‌ی شب‌ها برای دیدار وی و خواندن نماز در مسجد حاضر می‌شدند؛ ولی این خبر اشتیاقشان را زیاده‌تر کرد. آن‌ها پشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز گزارند. بعد از نماز محمد (صلی الله علیه و آله) برای آنان صحبت کرد، از خدای یگانه گفت، از مأموریت رسولش گفت، از عمل‌های نیک و نیت پاک گفت، از برادری و مساوات گفت که اساس وحدت معنوی مسلمانان است و از پاداشی گفت که مهاجران و انصار برای خدمات‌های خود به اسلام خواهند گرفت و سپس چنین اظهار داشت:

«ای مسلمانان و ای مؤمنان! قسمتی از شما به مکه آمدید و در عقبه، در دل شب، با من بیعت کردید و مرا به شهر خود فرا خواندید. قسمت دیگر از آغاز پیدایش اسلام به دین خدا در آمدید و در این راه هر گونه ناملایمی را تحمل کردید و خلوص نیت و پاکی ایمان خود را نشان دادید. من اکنون به شما اعلام می‌دارم که شما افراد مهاجر و انصار برادر یکدیگر هستید. این برادری شما در آسمان‌ها منعقد شده و اکنون من آن عهد تقدیر و قضا را که بر لوحه‌ی ابدیت مانند علم الهی نقش بسته است به شما اعلام می‌دارم. هر کدام بر خیزید و برادر خود را انتخاب کنید.»

این سخنان تأثیر بسیار عمیقی در حاضران داشت و آقا و نوکر، بزرگ و کوچک و ثروتمند و فقیر جملگی برادر یکدیگر شدند. حمزه، عموی رسول الله (صلی الله علیه و آله)، با زید بن حارثه، غلام آزادشده‌ی خود، برادر شد. سلمان فارسی که تازه از قید رقیت یهودی نجات یافته بود برادر ابو درداء شد و بلال، غلام ابوبکر، برادر ابورویحه شد. بقیه نیز هر کدام برادران خود را انتخاب کردند و حتی در اموال یکدیگر برادر شدند. آن وقت محمد (صلی الله علیه و آله) از میان جمعیت دست علی (علیه السلام) را گرفت، او را از میان مسلمانان بیرون کشید و با صدای محکم و پراراده گفت: «این هم برادر من».<sup>۹</sup>

### حمایت خداوند از اتحاد جماعت مسلمانان

اگر همه‌ی قشرهای ملت‌های اسلام به حکم «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»<sup>۱۰</sup> گردن نهند، ابرقدرت‌ها هرگز نمی‌توانند کوچک‌ترین ضربه‌ای به اسلام وارد کنند. ملت اسلامی اگر بخواهد می‌تواند دسیسه‌های قدرت شیطانی را سرکوب کند؛ زیرا می‌داند «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» است و از یک قطره هیچ کاری

<sup>۹</sup> پیامبر، بخشی از ص ۵۳۸ تا ۵۴۳.

<sup>۱۰</sup> سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰.

برنمی آید.

اگر دو یار موافق دو دل یکی سازد      فلک به یک تن تنها چه می تواند کرد؟

زدانا تو نشیدی این داستان      که بر گوید از گفته باستان

که گر دو برادر نهند پشت پشت      تن کوه را باد ماند به مشت<sup>۱۱</sup>

بخشی از خطبه‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در حجة‌الوداع در مورد اتحاد و برادری مسلمانان با یکدیگر بود.

«هان، مسلمان برادر مسلمان است؛ پس هیچ چیز برای مسلمان در حق برادرش روا نیست مگر آنچه را که بر خود نیز روا می‌داند.»<sup>۱۲</sup>

اسلام بانی عقد اخوت است و مسلمانان جهان زیر پرچم پرافتخار اسلام و دستوره‌های نورانی خدای متعال، با وحدت و برادری، می‌توانند دست قدرت‌های بزرگ را قطع کنند که هیچ فکری جز مصلحت خود و چپاول ذخیره‌های ملت‌های ضعیف ندارند. همان‌گونه که یک دست صدا ندارد، مسلمانان هم اگر بخواهند به تنهایی در برابر دشمنان اسلام مبارزه کنند، راه به جایی نخواهند برد. تا «من» «ما» نشود، فریادش به جایی نخواهد رسید؛ به قول حمید مصدق:

چه کسی می‌خواهد

من و تو ما نشویم؟

خانه‌اش ویران باد!

من اگر ما نشوم، تنه‌ایم

تو اگر ما نشوی، خویشنی

از کجا که من و تو

شور یک پارچگی را در شرق

باز بر پا نکنیم؟ از کجا که من و تو مشت رسوایان را وانکنیم؟

من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی‌خیزند

من اگر بنشینم تو اگر بنشینی چه کسی برخیزد؟ چه کسی با دشمن بستیزد؟

<sup>۱۱</sup> امثال و حکم، ج ۱، ص ۳۰.

<sup>۱۲</sup> پیام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ص ۱۰۵.

چه کسی پنجه در پنجه هر دشمن دون آویزد؟<sup>۱۳</sup>

### اتحاد مسلمانان سبب ثبات جامعه اسلامی

محمد (صلی الله علیه و آله) با پیمان برادری رابطه‌ی مؤمنان را به عالی‌ترین نحو محکم ساخت و نقشه‌ی منافقانی را بی‌اثر کرد که می‌خواستند رابطه‌ی مسلمانان اوس و خزرج و مهاجر و انصار را تیره کنند. بعد از این، همه‌ی توجه خود را به تشکیل امت واحد اسلامی و عقد قرارداد با یهود و سایر قبیله‌های مدینه معطوف کرد. در آن زمان، برای اولین بار بود که قسمتی از قبیله‌های عرب به نام امت واحد نامیده می‌شدند و برای نخستین بار بود که عرب‌ها برای عقد قرارداد همکاری موفق بودند.

این پیمان برادری که در مدت کوتاهی منعقد شد، مؤمنان را نه تنها از هجوم قریش سرمایه‌دار راحت کرد، بلکه اجازه داد به تشکیلات داخلی و اجرای قوانین الهی مشغول شوند. بیشتر حکم‌ها و قانون‌ها بعد از این پیمان نازل شد و مسلمانان با همبستگی آن‌ها را اجرا کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) میان مؤمنان ایمان و نوعی اتصال باطنی به وجود آورد. آنان نوری واحد، بهشتی واحد، خدایی واحد و زندگی‌ای واحد پیش روی خود می‌دیدند. علاوه بر این‌ها، تشکیل امت واحد و عهد برادری تأثیر جداگانه‌ای بر فرد فرد آن‌ها گذاشت.

هنگامی که منافقان می‌خواستند میان «اوس» و «خزرج» دوباره اختلاف بیندازند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) میان آنان رفت و روی سنگ مرتفعی ایستاد و گفت:

«ای گروه مسلمانان، الله، الله، آیا دوباره به دوره‌ی جاهلیت برگشتید و من میان شما هستم؟ آیا به دوره‌ی جاهلیت برگشتید بعد از آنکه خدا شما را به اسلام هدایت و رهبری کرد؟ آئین اسلام را به شما عطا نمود؟ عادت‌ها و کارهای جاهلیت را از شما برید؟ شما را از کفر نجات داد؟ میان دل‌های شما الفت و محبت برقرار ساخت؟».

هر یک از این کلمات مانند نور خورشید بود که غبار و ابرکینه و حس برادر کشی را از روح آن‌ها زدود. شمشیرها به غلاف‌های خود باز گشتند. یک مرتبه به دل آن‌ها وحی الهی آمد که این تفتین و افساد از ناحیه‌ی شیطان است و این دام از جانب دشمنان. ناگهان اوسی‌ها و خزرجی‌ها یکدیگر را در آغوش گرفتند و بلند بلند گریستند. رسول خدا آن‌ها را نوازش و تحسین کرد و به طرف شهر حرکت کرد. این دو قبیله هم با اطاعت و انقیادی که از دل و جان آن‌ها برمی‌خاست دنبال وی روان گشتند. برق شمشیرها جای خود را به برق اشک‌های

<sup>۱۳</sup> . گزیده‌ی اشعار حمید مصدق، ص ۳۹ - ۴۰.

شادمانی سپرد و بدین گونه آتش مکر و تفتین شائس بن قیس (یهودی نفاق انداز) خاموش شد.<sup>۱۴</sup>

### همنشینی وحدت و رحمت

سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در حفظ و انسجام وحدت میان مسلمانان این گونه بود. از نظر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وحدت رحمت بود و هر دولتی از اتفاق است و هر بی‌دولتی از نفاق. حضرت علی (علیه‌السلام) در ستایش فضیلت‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، او را الفت‌دهنده‌ی دل‌ها و زداینده‌ی کینه‌ها معرفی کردند و فرمودند:

«به برکت وجودش، خداوند کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی‌ها را با او خاموش ساخت. به واسطه‌ی او در میان دل‌ها الفت افکند (و افراد دور افتاده را در سایه‌ی آئینش برادر ساخت) و نزدیکانی را (که در ایمان با او هماهنگ نبودند) از هم دور ساخت.»<sup>۱۵</sup>

ملت‌های مسلمان، با هر مسلک و فکر سیاسی یا مذهبی، لازم است وحدت خود را حفظ کنند، علیه جنایت‌های بی‌شمار مستکبران موضعی خصمانه بگیرند و از اشکال تراشی و تفرقه‌اندازی که به سود دشمنان است پرهیزند. آنان باید همواره هشدارهای قرآن و سیره‌ی رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را مدنظر داشته باشند و در ترویج اسلام و قرآن آگاه باشند.

مسلمانان حافظان وحدت اسلام هستند و هر مسلمان مسئول است در برپایی این انسجام بکوشد. ائتلاف مسلمانان یعنی نمایش قدرت اسلام. باید آگاهانه عمل کرد و به دشمنان ضعف نشان نداد؛ زیرا آنان منتظرند تا از تفرقه سوءاستفاده کنند. همان گونه که علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«از پراکندگی پرهیزید که انسان تنها بهره‌ی شیطان است؛ چنان که گوسفندان تک رو طعمه‌ی گرگ!»<sup>۱۶</sup>

### نتیجه

همان گونه که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با درایت و هوشیاری به عقد برادری میان قبیله‌هایی همت ورزید که سالیان سال با هم نبرد می‌کردند، ادامه‌ی حیات دینی و سیاسی را وحدت مسلمانان تشخیص داد. پس مسلمانان جهان باید با پیروی از پیامبر خود متحد شوند و با تلاش‌های پیاپی ریسمان همبستگی میان مسلمانان را محکم‌تر کنند.

<sup>۱۴</sup> پیامبر، ص ۵۸۶ - ۵۸۷.

<sup>۱۵</sup> المعجم المفهرس، نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۶.

<sup>۱۶</sup> همان، بخش هشتم، خطبه‌ی ۱۲۷.

## منبع‌ها

- ۱- احمدی بیرجندی، احمد، چهارده اختر تابناک، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ نهم.
- ۲- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۴.
- ۳- خرمشاهی، بهاء‌الدین و انصاری، مسعود، پیام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، انتشارات جامی، ۱۳۷۶.
- ۴- دکتر خطیب رهبر، خلیل، دیوان غزلیات حافظ، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۷۸.
- ۵- خطیب رهبر، خلیل، گلستان سعدی، انتشارات صفی‌علیشاه، چ سوم، ۱۳۶۴.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، انتشارات امیرکبیر، چ ششم، ۱۳۶۳.
- ۷- رهنما، زین‌العابدین، پیامبر، جلد ۱ و ۲، چاپخانه‌ی آتشکده، چ چهاردهم.
- ۸- محمدی، محمد کاظم و دشتی، محمد، المعجم المفهرس للفاظ نهج البلاغه، نشر امام علی (علیه‌السلام)، قم، چ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۹- مصدق، حمید، گزین‌های اشعار، انتشارات مروارید، چ پنجم، ۱۳۷۶.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد